بسمه تعالی

۱۶/۱۲/۹۳ امارات معتبره - حجیّت خبر واحد - ادعای اجماع شیخ طوسی و سید مرتضی

**حجیت خبر واحد(استدلال به روایات)**

**بررسی کلام شیخ طوسی**

مورد ادله حجیت خبر واحد صحبت می‌کردیم محصل عرض ما این بود که، از کلام مرحوم شیخ طوسی در عدّه استفاده می‌شود که مقداری دایره حجیت از آن مقداری که قدر متیقن از اخبار هست را باید توسعه داد البته در مورد عبارت‌های شیخ طوسی در عُده بحث‌های خاص هست شاید من بعضی از بحث‌های آن در مقاله در مورد تفسیر عبارت عُده آوردم و یکسری بحث‌های تکمیلی هست دیدگاه شیخ طوسی چیست؟ آیا اضطرابی در نظرات شیخ طوسی در این زمینه وجود دارد یا ندارد؟ که آنها یکسری بحثهای تفصیلی دارد ما عمدتاً در اینجا به کلام شیخ طوسی تمسک می‌کنیم ماحصل تقریب استدلال هم این هست که شواهدی که مرحوم شیخ طوسی اقامه کرده در اینکه مدار عمل طایفه بر اخبار قطعی الصدور نبوده این را برآدم اطمینان حاصل می‌شود اما حالا که مدار بر اخبار قطعیه نبود چه شکلی عمل می‌کردند برای این برای اثبات عمل آن شواهد کافی نیست آیا عمل ثقه یا خبر عادل عمل می‌کردندعادل به معنای کسی که در خصوص عدالت در گفتار دارد مراد هست یا عدالت در مطلق رفتار‌ها لازم هست و امامی و غیر امامی بودن شرط هست یا نه؟ اینطور خصوصیاتی که وجود دارد این خصوصیات را آن شواهد اثبات کننده نیست خود شهادت شیخ طوسی به عمل طایفه داخل در قدر متیقن از ادله حجیت خبر واحد هست و آنها را شامل می‌شود.

آقایان معمولاً به جای سیره متشرعه به این سبکی که عرض می‌کردم به سیره عقلا تمسک می‌کنند و می‌گویند خبر واحد به ثقه سیره عقلا بر اعتبار آن وجود دارد، مرحوم صدر هم یک تقریب بینا بین، بین سیره متشرعه و سیره عقلا آورده است، تقریبی که با هر دو سازگار باشد یک مقدار تحلیل کنیم به این ادعایی که در بحث سیره عقلا شده است می‌گویند عقلا خبر ثقه را اخذ می‌کنند ولو ظن به وفاق آن نباشد بلکه ظن به خلاف آن باشد باز همینطور هست ولو نوع مردم هم ظن به داشته باشند یک بحثی در اینجا هست که در امارات عقلاییه مدار بر ظن شخصی نیست در آن چیزهایی که در باب احتجاجات مطرح هست مرحوم نایینی اشاره می‌کنند که عقلا در امور شخصی خود مدار بر این هست که خودشان اطمینان یا ظن دارند ولی در اموری که مدار احتجاجات هست و به روابط مولی عبید مربوط هست و به احتجاجات مرتبط هست اینها نمی‌تواند مدار بر ظن شخصی باشد و ظن نوعی ملاک هست این ظن نوعی در اینجا که از این بیان استفاده می‌شود ظن نوع مردم است نه اینکه ظن در نوع موارد، این درست اگر ما در امور احتجاجات ما بخواهیم مدار را ظن شخص مکلف قرار بدهیم سنگ روی سنگ بند نمی‌شود ولی بحث ما فراتر از این هست ما می‌خواهیم بگوییم اگر نوع مردم در مورد این خبر ظن بر آنها حاصل نشود بلکه ظن

بر خلاف حاصل بشود باز هم چون راوی آن ثقه هست این حجت هست این یک مفهوم گسترده‌ای که آقایان می‌خواهند قائل بشوند، می‌گوییم آیا می‌شود این مفهوم را از بنای عقلا استفاده کرد یا نه؟ در دو مرحله می‌خواهیم ما بحث بکنیم یک مرحله بحث این است که ذات خبر ثقه و لو ظن و نگیرد ولو ظن به خلاف هست این اصلاً عقلایی هست و روش عقلا بر طبق این هست مطلب دیگر اینکه بگوییم نه، مدار بر خبر ثقه‌ای که ظن به وفاق هم باشد اگر این قید را هم اضافه کنیم. پرسش: ظن به خلاف تاثیری ندارد؟ پاسخ: آن اطلاقات اقتضا می‌کندکه آنها اقتدا نداشته باشد. البته شواهدی که شیخ طوسی می‌آورد، شواهد خوبی است هیچ جا نه در رجال، نه در استثنائات نمی‌توانی پیدا کنی که این مظنون هست یا نیست اصلاً این حرفها نیست.

ممکن است ما بگوییم شخصی که ثقه هست چون ملکه وثاقت و صدق گفتاری در آن وجود دارد این ملکه اقتضا می‌کندکه اگر مانعی نباشد بر طبق این ملکه رفتار کند و باید مانعی اینجا باشد یک زمانی هست که ما می‌گوییم خبر ثقه در اکثر موارد مطابق واقع هست این مطابقت با واقعه در اکثر موارد حکمت جعل حجیت به نحو مطلق برای خبر ثقه هست اگر هر دو این بیانات را بخواهند اثبات کنند چون در اکثر مواقع خبر واحد مطابق با واقع هست و چون ثقه ملکه وثاقت در مورد آن وجود دارد بنابراین در این مورد هم ظن بر طبق آن وجود دارد اگر این باشد باز عیب ندارد داخل در تقریب بعدی می‌شود در واقع ملاک خبر ثقه مظنون الصدق هست اما اگر در نوع مواقع مطابق با واقع هست در اینجا هم عقلا ظن دارند که شبیه نوع موارد نیست اینکه نوع مواقع مطابق است این چه نکته‌ای دارد که منشاء بشود که در اینجایی که هیچ ارتباطی با نوع موارد ندارد و آن نوع موارد هیچ ظنی و کاشفیتی نسبت به این ندارد باز عقلا بگوییم حجت هست یا مثلاً خبر ثقه ما می‌گوییم کسی هست که ملکه وثاقت در مورد آن وجود دارد ممکن است شما بگویید این ملکه منشأ می‌شود ما تا جایی که اثبات نشده مانعی از تاثیر این ملکه وجود دارد، ظن حاصل می‌شود که بر طبق آن مقتضی رفتار کرده است ولی حالا شرایط طوری هست و قرائنی وجود دارد که اقتضا می‌کندبر خلاف آن مقتضی رفتار کرده است یا روی عنوان ثانوی دروغ گفته یا اشتباهی برای او رخ داده یا به هر جهتی از جهات بر خلاف آن مقتضی ذاتی که ملکه وثاقت در مورد آن هست اقتضا می‌کندآیا باز هم یک بنای عقلایی وجود دارد که بر طبق اینها رفتار کنند چه نکته عقلایی وجود دارد که مجرد اینکه در نوع موارد این خبر آن مطابق واقع هست یا یک ملکه ذاتی وجود دارد و لو این ذاتی در این مورد بالفعل نشده است، ظن به فعلیت آن نداریم که هیچ بلکه ظن به عدم فعلیت آن داریم باز هم می‌خواهیم آن را حجت بدانیم به نظر نمی‌رسد نکته خاصی بر این تعمیم بشود قائم شد. پرسش: آن اختلافاتی که گفتید در اینجا بوجود نمی‌آید؟ پاسخ: نه، بلاخره تشخیص آن موضوع با خود مکلف هست و علیه تقدیر اختلال نیست و تشخیص اینکه ثقه هست یا نیست به عهده مکلف هست. بلاخره یک جایی به مکلف اعتماد کرد کجا اعتماد کرد آن مهم نیست.

بنابراین ما اگر بگوییم ذات خبر ثقه بما هو ثقه معتبر هیچگونه ظن و کاشفیت ولو در مورد نوع مردم در خصوصیت مورد را اضافه نکنید اما اگر بخواهید آن قیودات را اضافه کنید آیا واقعاً عقلا در زندگی خود در جایی که برای خود امکانپذیر هست که بروند برای خود علم تحصیل کنند اعتماد می‌کنند به خبری که ظن آور هست در جایی که می‌توانند احتیاط کنند، فرض کنید من هر روز می‌روم نان بخرم و یک نفر به من خبر می‌دهد که از خانه آوردن که امروز نان احتیاج نیست حالا من به این خبر اطمینان ندارم احتمال می‌دهم اشتباه کرده است یا خود سرانه می‌گوید ولی مشکلی ندارد اگر نانم هم بگیرم تو فیریزر نگه می‌دارم برای فردا می‌ماند یک موقع هست که مشکلی وجود دارد اگر نان بخرم خراب می‌شود و امثال اینها (دوران بین محذورین) یا نه هیچ مشکلی وجود ندارد نان هم بخرم مشکلی پیش نمی‌آید آیا در اینجا به مجرد اینکه به گفته گوینده اطمینان ندارم احتیاط نمی‌کنم جایی که هیچ محذوری هم ندارد مثلا یک موقعی هست که می‌خواهی نان بخری باید در صف بایستی این خودش محذور هست نه خلوت هست و یک نفر آمد و گفت امروز نان احتیاج نداریم واقعاً اینطوری هست که آدم احتیاط نمی‌کنداینطور نیست آنجایی که آدم احتیاط نمی‌کندیا هزینه سنگین دارد (در صف ایستادن) این صرف ندارد در مقابل احتمال مخالفت واقع، یعنی بحث تزاحمات خیلی وقتها در زندگی انسانها هست ولی هیچ تزاحمی نباشد و هاحتیاط کردن هیچ هزینه‌ای نداشته باشد، احتیاط می‌کنند و جاهایی که تحصیل علم هزینه ندارد مثلاً یک نفر آمده گفته نان لازم نیست راحت می‌تواند یک زنگ بزند و از خانه بپرسد. یعنی این جور چیزها اتفاقاً دخالت دارد در اینکه چطوری تزاحم شکل بگیرد، تزاحم به هر حال در روحیات شخص و صنفی افراد که چگونه تزاحم ببینند یا نبینند تاثیر دارد.

عقلا در ظرف انفتاح باب علم (یعنی اینکه تحصیل علم هزینه زیاد نداشته باشد ) و در فرضی که احتیاط هم ممکن هست یعنی اینکه هزینه‌ی سنگینی نداشته باشد باز بگوییم تحصیل علم نمی‌کنند، احتیاط نمی‌کنند و... این را بگوییم که رفتار عقلا هم این است اصلا این طور نیست و قابل پذیرش نمی‌باشد. عقلا در زندگی عادی خود اگر امکان علم باشد تحصیل علم می‌کنند، امکان هم نداشته باشد احتیاط می‌کنند مگر نفس احتیاط هزینه ای داشته باشد که احتمال عدم ؟؟؟ هزینه‌ی آن کمتر از هزینه ا‌ی که نفس احتیاط کردند دارد یا هزینه تحصیل علم اگر بیشتر از هزینه مخالفت با واقع باشد تحصیل علم نمی‌کنند در بحث تقلید اعلم گاهی اوقات بعضی مطالب را مطرح می‌کنند می‌گویند که آیا اشخاصی که به پزشک مراجعه می‌کنند همیشه به متخصصین مراجعه می‌کنند یا نه به دکتر عادی هم مراجعه می‌کنند؟ پاسخ این است که هزینه دکتر متخصص خیلی گران است در بیماری‌های عادی احتمال اینکه دکترعادی اشتباه بکند احتمال این نزد عقلا لازم المراعات نیستند که به آن هزینه‌ای که بروند وقت بگیرند و به دکتر متخصص بروند و زمان و هزینه را به دکتر بپردازند گاهی هم فرد خجالت می‌کشد که به یک سرما خوردگی‌ساده به متخصص مراجعه کند که این هم یک هزینه هست هزینه‌ی آبرویی. بحث این هست که احتمال مخالفت با واقع آنقدر ضعیف هست که اطمینان به خلاف هست نه اطمینان به خلاف آن هم نیست اینها مثالهایی بر بیماریهای

عادی هست که می‌گویند همه‌ی دکترها بلد هستند اطمینان دارد آن احتمال یک هزارم تشخیص بیماریهای عادی که بالاخره باید آنتی بیوتیک داده شود وخوب شود یا برای بعضی بیماریهای عمومی دکتر عمومی بهتر از متخصص هست از آن جهت این طور نیست که کاشفیت قول پزشک متخصص از قول پزشک عادی که بیمار بیشتر می‌بیند بهتر باشد ممکن است یک سوال ساده را از یک مرجع تقلید بپرسند و سوال را یک مساله گو بهتر از مرجع تقلید جواب دهد غرض من این است که گاهی اوقات یک هزینه‌هایی دارد و انسان در جایی که هزینه داشته باشد سعی می‌کندنرود تا به امارات تمسک کند چون فاصله‌ی بین اماره اقوی و اماره قوی اینقدر نیست که به هزینه‌اش بیارزد ولی جاهایی که هزینه آن چنانی ندارد باب تحصیل علم مفتوح است یعنی به راحتی بدون هزینه قابل توجه امکان پذیر هست یا باب احتیاط امکان پذیر است بعضی وقت‌ها هزینه هم که می‌شود اهم و مهم می‌کنند باب تزاحمات است گاهی اوقات مراجعه می‌کنند ولی حالا که مراجعه می‌کنند این خبر ثقه خصوصیات دارد یا اینکه مطلق ظن هست از باب اینکه هر کدام به واقع نزدیک‌تر باشد آیا اگر در جایی دو تا اماره هست، شهرت و خبر ثقه وجود دارد یک روایتی هست که به خبر ثقه عمل می‌کندو به شهرت عمل نمی‌کند، خصوصیات برای خبر ثقه قایل هست، چطور می‌باشد آیا واقعا رفتار عمومی بر طبق این هست اینها هیچ کدام واضح نیست که این مطلب را خیلی روشن که خبر ثقه را خیلی مسلم گرفتند و امثال اینها نه اصلا واضح نیست؟ در حاشیه همین بحوث اشاره می‌کنم که سیره‌ی عقلا به نحوی که دیگران قایل هستند غیر واضح هست که سیره عقلا بر حجیت خبر باشد نه عقلا بر حجیت خبر سیره ندارند. پرسش: آیا در مقام احتجاجات اگر بحث امر و نهی باشد باز هم این جور هست یک وقتی به قول شما می‌خواهند درک واقع کنند و یک وقتی می‌خواهند به حرف این قول ها برسند در بحث سیره عقلا اگر امر کرده باشد فلان کار را انجام بده اگر یک نفر خبر بیاورد ولو ظن هم حاصل نشود؟ پاسخ: نه رفتار نمی‌کنم احتیاط باشد احتیاط می‌کنم، احتیاط نباشد دوباره سوال می‌کنم یک موقع هست نفس سوال کردن از هرچیزی برای سوال کننده سخت‌تر هست این هم هزینه هست اینجا برائت جاری نمی‌کنند اگر ظن بر خلاف هم حاصل شود در جایی هست که احتیاط امکان پذیر نیست فرض این هست که بگویید احتیاط نمی‌کنند ولو شما طرف دیگر قضیه را بگویید اگر خبر آورد لازم نیست این کار را انجام دهید یعنی خبرنفی الالزام باشد یا ترخیص باشد در مثال نان گفتیم یک موقع گفته شده نان بخر و یک موقع هم گفتند نه لازم نیست نان بخری من هم یقین ندارم که نان خریدن لازم نباشد احتیاط هم به راحتی ممکن هست یا تحصیل علم هم ممکن هست برای اینکه روشن شود سسیره عقلا وجود دارد یا ندارد باید در این دو مورد دقت شود جایی که تحصیل علم به راحتی ممکن هست و جایی که احتیاط امکان پذیر هست و آن خبر برخلاف احتیاط هست جایی هم که تحصیل علم و احتیاط امکان پذیر نیست اینجا انسداد پیش می‌آید و آن هم خصوصیت بر این خبر ندارد فرض کنید یک نفر یک خبری آورده ولی ده نفر دیگر ؟؟؟ ولی قول ده نفر بیشتر از قول یک نفر ظن‌آور هست به جهت قول آن ده نفر من دیگر به قول یک نفر ظن برایم حاصل نمی‌شود جایی که می گوید این همه گفتند و من هم به شما دسترسی نداشتم

بپرسم که چکار باید بکنم احتیاط هم که امکان پذیر نبود. اینکه ما بگوییم اگر بر حجیت خبری سیره عقلا وجود داشته باشد خصوصیت بر خبر قائل باشند این به نظر نمی‌رسد اگر احتیاط ممکن باشد تحصیل علم امکان داشته باشد یا تحصیل علم می‌کنند یا احتیاط. مراد از ممکن بودن یعنی هزینه سنگین نداشته باشد اگر اینها هزینه داشته باشند داخل در تزاحم ملا کها می‌شود تزاحم ملاکها بحث انسداد هست باید دید کدام راه نزدیک به واقعیت هست آن راه را عقلا طی می‌کنند روش متعارف عقلایی این شکلی هست که در راهی که انسداد هست بالاترین راهی که ما را به واقع می رساند آن راه را طی می‌کنند جایی که انسداد نباشد یا تحصیل علم می‌کنند یا اگر نخواهند تحصیل علم کنند احتیاط می‌کنند

پرسش: آن سیره متشرعه خیلی باید محکم باشد... پاسخ: نه اینکه عقلا می‌گویند اگر شارع چیزی نگوید این روش، روش متبع هست و الا اگر شارع یک روش خاصی اعمال کرده باشد می‌گویند سمعاً و طاعتاً اینکه این روش را اتخاذ می‌کنند از باب این هست که چون روش خاصی از طرف شارع نرسیده است بنابراین روش هیچگونه تزاحمی با آن ندارد می‌گوید شما که یک روش خاصی به من نگفته بودید اگر شارع بگوید خبر ثقه حجت است می‌گویند سمعاً و طاعتا،ً این دو تا با هم خلط نشود نه اینکه حجیت خبر ثقه را ارتکاز عقلایی نفع می‌کندنه خیر خیلی هم با آن موافق هست ولی اثبات نمی‌کندیعنی نیاز به دلیل مثبت می‌خواهد اگر دلیل مثبت نداشته باشیم طبق آن رفتار نمی‌کنند بنابراین سیره متشرعه می‌تواند دلیل مثبت باشد مشکلی ندارد همانطور احادیثی که هست می‌توانند آن را اثبات کنند سیره متشرعه هم به همان مقدار که احادیث مثبت این مطلب هست آن هم مثبت هست. ما بحث سیره متشرعه را مطرح می‌کردیم با همان تقریبی که عرض کردیم که عمدتاً روی شواهد مرحوم شیخ در مرحله اول که بعضی چیزهای این شواهد بخصوص خیلی مهم هست استثناهایی که در کلمات علما هست دلالت در بحثهای رجالی و امثال اینها، تکیه روی وثاقت و عدم وثاقت هست خود آن شواهد مقدار زیادی از مطالب مرحوم شیخ را اثبات می‌کندولی بعضی ریزه کاری‌ها مرحوم شیخ در کلام خود دارد ایشان مثلاً می‌گوید خبر موثق را در جایی که با خبر امامی یا فتئای امامی معارض باشد به آن عمل نمی‌کردند این را دیگر آن شواهد اثبات نمی‌کندولی قدر مسلم اینکه خبر امامی ثقه عدل را عمل می‌کردند خوب آن شواهد به راحتی این مطلب را اثبات می‌کندیعنی آنکه از کلام شیخ طوسی به حجیت تعبدیه برای اثبات آن نیاز داریم آن ویژگی‌های خاص کلام است و الا اصل کلیت کلام را آن شواهدی که مرحوم شیخ بیان کرده نسبت به کلیت آن کلام اطمینان بخش هست ولی آن ویژگی‌های آن را با ادله حجیت خبر واحد و همچنین اینکه ادله حجیت خبر واحد کلام شیخ طوسی را هم در بر می‌گیرد با آن چیزها اثبات کنیم.

مرحوم آقای صدر اینجا تقریب دیگری ذکر کرده‌اند این تقریب در کلام آقای هاشمی بصورت مرتب و منظم نیامده است و خیلی مندمج هست و در کلام آقای حائری خیلی منظم‌تر آمده است البته روح هر دو مطلب یکی هست نه اینکه تفاوت محوری جدی بین اینها باشد، ایشان برای اثبات یک نوع سیره متشرعه اعم اجماع اینکه این سیره ناشی

از حکم شرعی باشد یا سیره متشرعه ناشی از سیره عقلاییه باشد مطرح می‌کندایشان ابتداً در سیره عقلایی تردید یا چگونه هست می‌گوید ما بجای سیره عقلا به آن سبکی که آقایان مطرح می‌کنند به یک معنای دیگری از سیره یک معنای عام‌تری هست جامع بین سیره عقلا و سیره متشرعه در واقع سیره متشرعه‌ای که اعم از این هست که سیره عقلا باشد یا تاسیس شرعی باشد این را می‌خواهند اثبات کنند سه تا مقدمه مطرح می‌کنند مقدمه اول که حدود چند صفحه در کلمات مرحوم حائری تشکیل داده است، ایشان در آن مقدمه کثرت اخبار مظنونة الصدق را می‌خواهد اثبات کند می‌گوید اخبار مظنونة الصدق خیلی زیاد هست با اینکه جعّالین و وضّاعین و کذّابین زیاد بودند و اختلافات بین اصحاب زیاد بوده مفصلاً مقدمه چینی می‌کندولی اینها چه ربطی به بحث ما دارد اگر ما چیزی را هم بخواهیم اثبات کنیم باید آن مطلب اثبات بشود که خبر ثقه قطعی الصدق نیست (اطمینانی نیست ) ایشان کثرت مظنون الصدق را مطرح می‌کند اخباری که چه راوی آن ثقه باشد جه نباشد اینها را اصلاً در مقدمات بحث خود نیاورده است آنچیزی که در این بحث مهم هست اگر کسی اینطور بگوید که اخبار ثقات غالباً یقین آور و اطمینان بخش هستند بنابراین اگر سیره متشرعه‌ای هم در قبول خبر ثقات هست آن از باب این هست که نوعاً اطمینان بخش هست و موارد اطمینان بخشی را ناظر هست ایشان این را می‌خواهد نفی کند می‌خواهد بگوید این اخباری که موجود هستند خیلی از آنها قطعی نیستند و مظنون الصدق هستند و روایات مظنون الصدق ما زیاد داریم، بعد در مقام اثبات روایتهای آدمهای جعال، کذاب، وضاع، پای همه اینها را وسط می‌کشد آنها چه ارتباطی به این بحث دارد! که ما خبر ثقه را می‌خواهیم حجت بدانیم حالا یک عالم آدم جعّال در روایات داشته باشیم حال 80 درصد از روایتهای ما توسط جعّالین باشد. جعّالین آن کسی که جعل کرده خبر آن قبول نیست این خبر ثه قبول و اطمینان بخش باشد و فرض این هست که ثقه غیر ثقه از هم جدا هست مجرد اینکه یک عده جعّالین و وضّاعین و کذّابین وجو داشته است چه ربطی به خبر ثقه دارد اینها چه ملازمه‌ای با هم دارند در دایره اخبار الثقه باید بررسی کنیم تمام بحثهایی که ایشان مفصل بحث کرده خیلی چیزهای جعّالین داشتیم گروهایی بودن که حتی به امثال زراره و بزرگان ما سب ولعن می‌کردند حالا آنها چه ارتباطی دارد به اینکه خبر ثقه حجت هست یا نیست. خوب اگر کسی مدعی هست اخبار ثقات نوعاً مظنونة الصدق نیست بلکه اطمینانی الصدور هستند خوب چطوری می‌خواهد با این بیانات آنها را نفی کند هیچ روشن نیست مرحوم حائری در ضمن استدلال خو می‌فرماید سه گروه ما داریم: یک گروه اخبار ثقاتی که خیلی مرحله بالا هستند آن اخبار یقینی آور هست، یک گروه افراد جعال و امثال اینها که هیچ، ویک افراد متوسطی در این وسطی هم در این وسط وجود دارند و بحث ما در مورد این متوسطات هست خوب عیب ندارد ولی متوسطات چقدر افراد هستند چه مقدار افرادی هستند خبر آنها اطمینان بخش نیست و اینها هیچ در کلمات ایشان توضیح داده نشده است اصل نکته بحث این هست که آیا خبرهای افراد ثقه اطمینان بخش هست یا نیست؟ در کل اندک کلام آقای حائری نه کلام آقای هاشمی که در تقریر کلام آقای صدر هست توضیح وافی در این مورد داده نشده است.

ایشان به خاطر اینکه کلام آقابی به خوبی روشن شود، بحث بعدی که ایشان دارد بحث دائرة الحجیة، بعضی از نکات باید در آنجا اضافه بشود چون یکسری ان قلت‌هایی وجود دارد در این بحث من به ذهنم رسید که چرا اقای صدر به این بحثها نپرداخته است بعد دیدم اینجا نپرداخته ولی در بحث«تحدید دائرة الحجیة» وارد بعضی از ان قلتهای این بحث شده و بعضی از اشکالات واضح دارد آنجا وارد بحث شده و سعی کرده است تکمیل کند حالا اصل استدلال‌ها بماند برای فردا.

پرسش: حالا دست یا جعل در اخبار ثقه داشته باشند نه به اسم.... پاسخ: باید یک راهی داشته باشید که آن دست را حل کنید آن دست که با این راهها حل نمی‌شود اگر حل نکردید آن اخباری که موجود ما هست نمی‌توانیم بگوییم اخبار ثقه هستند، موضوع خبر ثقه قابل احراز نیست ثقه بودن خود راوی قابل احراز هست ولی اینکه این خبر، خبر این راوی هست معلوم نیست تو کتاب این وارد شده ولی معلوم نیست شاید یک کس دیگری وارد کرده است، موضوع خبر ثقه می‌گوید خبری که ثقه نقل کرد آن حجد هست نه خبری که در کتاب آن وارد شده است خبری که در کتاب آن وارد شده باید اثبات بشود که خبر خود او هست آن مشکل را باید از یک جای دیگر حل کرد و ربطی به این بحث ندارد و ما در مقام حل آن مشکل نیستیم.

ثقات و ضعفا جدا هستند فرض کنید 90 درصد راوی‌های ما ضعیف باشند البته راویهای ضعیف زیاد داریم، (البته مقدمه چینی‌هایی که مرحوم صدر می‌کنند آن مقدمه ایشان هم اشکال دارد )ولی10 درصد روات، روات ثقات هستند و خبر آنها اطمینان بخش هست و فرض 10 درصد هست این چه ربطی به آن 90 درصد دارد، پای این 90 درصد را پایین می‌کشید ایجاد رعب کنید.

«و آخر دعوانا أن الحمد لله رب العالمین»